



بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از خانواده های شهدای نیروهای مسلح و جهاد سازندگی - 5 / مهر / 1377

بسم الله الرحمن الرحيم

عزیزان ؛ خانواده های مکرم شهیدان، خیلی خوش آمدید. در واقع هم خود شما و هم شهدای شما، چراغان تابان تاریخ و نظام ما هستید ؛ قدم روی چشم ما گذاشتید و لطف کردید. در این جلسه صمیمی و سرشار از محبت و پر از عطر شهادت، آنچه که شایسته است مورد صحبت قرار گیرد، خود شهادت و شهید است. بنده هم در این زمینه چند جمله ی کوتاه عرض می کنم:

به پدیده ی شهادت، از چند طرف می توان نگاه کرد. از هر طرف هم که نگاه کنیم، این پدیده، بسیار باشکوه و پر از تلاؤ است. يك بار از طرف ارزش شهادت در پیشگاه پروردگار، به این پدیده می نگریم ؛ زبان ما قاصر است که بتوانیم در این باب، ارزش والای شهادت را بیان کنیم. در روایتی است که وقتی هر خیر و هر ارزشی ملاحظه می شود، ارزش والاتری از آن هست، تا به ارزش «شهادت» می رسد ؛ بالاتر از ارزش «شهادت» چیزی نیست. (97)

اگر قرار باشد با مبانی دینی و فلسفه ی دین، راجع به این قضیه صحبت کنیم، خواهیم دید دقیقاً همین طور است ؛ هیچ چیزی بالاتر از این نیست که انسانی به دست خود، با اراده و اختیار خود، جان و هستی خود را فدای يك آرمان بزرگ و والای الهی کند. معنای شهادت، این است. لذا شهادت در پیشگاه پروردگار، تعبیر ویژه ای دارد. در قرآن، کشته شدن در راه خدا يك مرگ نیست: «فَأَن مَاتَ أَوْ قَتَلَ (98)». کشته شدن در راه خدا را با مرگهای معمولی، یکسان به حساب نمی آورد. در معیار الهی و با دیدگاه دینی و قرآنی، يك مفهوم دیگر و يك معنای فاخری است. از این رو کسی که این عطیه ی الهی شامل حال او می گردد و در راه خدا شهید می شود، این خود سپاسگزاری خداست. خدای متعال، بزرگترین لطف را در حق شهید کرده است. ملاحظه کنید! هیچ کس در دنیا باقی ماندنی نیست ؛ همه رفتنی اند. انسانها به انواع و اقسام مرگها می میرند ؛ جوان و پیر هم ندارد - انسانها در جوانی هم می میرند، در پیری هم می میرند، در کودکی هم می میرند ؛ مردن برای همه است - خدای متعال، این مرگی را که سرنوشت حتمی همه است و انسان، ناچار باید از این دروازه عبور کند، در مورد شهید به گونه ای قرار داده که این قدر ارزش پیدا کرده است! در حالی که مرگهای معمولی، این ارزش را ندارد. لطفی از این بالاتر؟! فضلی بر شهید از این بیشتر؟! همه ی ما می میریم ؛ چقدر ارزش دارد که خدای متعال این مرگ را، این رفتن را، این سرنوشت حتمی را در مسیری قرار دهد که این قدر دارای فضیلت باشد! لذا شهید در عالم ملکوت و برزخ، شکرگزار پروردگار است ؛ متشکر است از این که چنین لطفی به او شده است. لحظه ی شهادت، جزو شیرینترین لحظات هر شهیدی است. ببینید چه قدر با ارزش و والاست!

از يك بُعد دیگر که نگاه می کنیم، باز می بینیم که شهادت يك پدیده ی فوق العاده است ؛ چون همه ی خیرات و کارهای نیکی که انسان می کند - هر انسانی - کار خود اوست ؛ ولی شهادت محصولی از تلاش دستجمعی يك مجموعه ی انسان است که يك نفر شهید می شود.

این جوانی که جبهه رفت و شهید شد، فقط خودش نبود که مجاهدت کرد ؛ شما هم که پدر او هستید، مجاهدت کردید که او رفت. شما هم که مادر او هستید، مجاهدت کردید که او رفت. رفتن يك جوان به سمت محل خطر - جایی که جان او در خطر است - این فقط مجاهدت او نیست ؛ پدر او هم با رفتن او مجاهدت می کند، مادر او هم با رفتن او مجاهدت می کند، همسر او هم مجاهدت می کند، فرزندان او هم مجاهدت می کنند، هر کسی هم که به او علاقه دارد، مجاهدت می کند. و شگفتا که این مجاهدتها تمام هم نمی شود! خود او به جبهه می رود، مدتی ایستادگی می کند، صبر می کند، جهاد می کند و به شهادت می رسد. مجاهدت او تمام شد ؛ اما مجاهدت این مادر، ادامه دارد. مجاهدت این پدر، ادامه دارد. صبر اینها مجاهدت اینهاست. مجاهدت این فرزندان، ادامه دارد ؛ مجاهدت



آن همسر جوان، ادامه دارد. اینها که صبر می‌کنند، اینها که شکایت نمی‌کنند، اینها که این را پای خدا محاسبه می‌کنند، اینها که این خون را مایه‌ی افتخار خودشان می‌دانند، اینها که با این صبر و شکر خودشان گردونه‌ی مجاهدت را در بین بقیه‌ی مردم ادامه می‌دهند، اینها که مایه‌ی تشویق دیگران به جهاد می‌شوند، اینها که با بیانات حکایت‌کننده از استواری آنها مایه‌ی آبروی یک ملت می‌شوند، اینها که موجب می‌شوند ملت و کشور در عرصه‌ی افکار عالم، به صورت یک الگو درآید - که ملت ایران در آمده است - اینها مجاهدت می‌کنند.

اگر پدران، مادران و همسران شهدا بی‌صبری و شکایت می‌کردند؛ منت می‌گذاشتند و آه و ناله می‌کردند، مگر چهره‌ی این ملت این قدر درخشان می‌شد؟! این شما بودید که به این ملت آبرو دادید. این شما بودید که با حرفهایتان، با بیاناتتان، با منش و رفتارتان، با بالا گرفتن سرتان به خاطر شهادت این فرزند، چهره‌ی این ملت را این طور نورانی کردید! این مجاهدت، هنوز هم ادامه دارد. سالهاست که این شهید، به رضوان الهی پیوسته است - مجاهدت او تمام شد - ولی مجاهدت شما ادامه دارد. کدام ارزشی و کدام کار بزرگی این طور ترکیب پیچیده‌ای از مجاهدت‌های گوناگون - آن هم برای مدت‌های طولانی - است؟! هر کار خوبی را یک بار انجام می‌دهند، تمام می‌شود. صدقه‌ی در راه خدا، پولی است می‌دهند، تمام می‌شود و می‌رود؛ اما شهادت، این‌گونه نیست. ببینید چقدر والا است! این هم این بُعد دیگر.

از بُعد سوم که نگاه می‌کنیم، باز می‌بینیم که این پدیده، چقدر عظیم است! هرچه انسان نزدیکتر می‌شود، عظمت آن بیشتر می‌گردد. مثل کوه‌های بلند؛ انسان از دور هم می‌بیند کوه است، اما وقتی نزدیک می‌شود، می‌بیند عظمت این پدیده، قابل احاطه فکری نیست. بُعد تأثیر این پدیده در پیشرفت‌های عظیم هر ملتی است. هر ملتی که متکی به شهادت شد - یعنی شهادت را بلد بود و هنر شهادت را یاد گرفت - برای همیشه سربلند است و هیچ قدرتی بر این ملت پیروز نخواهد شد.

قدرت‌های دنیا، برای تحمیل افکار خودشان بر ملت‌ها، بر دولت‌ها، بر کشورها و بر زبده‌ها، از چه وسایلی استفاده می‌کنند؟ از تهدید استفاده می‌کنند. از تطمیع استفاده می‌کنند. از رشوه استفاده می‌کنند. از فشارهای گوناگون استفاده می‌کنند؛ فشار تبلیغاتی، فشار نظامی و امثال آن. چه کسی این فشارها را تحمل نمی‌کند؟ آن کسی که دل به چرب و شیرین زندگی سپرده و چشمش خیره‌ی رنگ‌آمیزی‌های ظاهری زندگی شده است! این‌گونه آدم‌ها از مرگ می‌ترسند. اینها هستند که قدرتمندان می‌توانند لگامشان بزنند و سوارشان شوند! اینها هستند که اگر در رأس حکومت‌ها باشند، ملت‌های خودشان را بدبخت می‌کنند و اگر در آحاد ملت‌ها باشند، دولت‌هایشان را تنها می‌گذارند. این کسانی که به صورت‌های ظاهری رنگ و روغن شده‌ی زندگی دل سپرده‌اند، از باطن زندگی، از عزت زندگی، از سعادت انسان و از فلاح حقیقی، هیچ خبری ندارند. نقطه‌ی ضعف زندگی ملت‌ها اینها هستند. نقطه‌ی ضعف بشریت این جاست.

خوب؛ حالا ملتی که اهل شهادت است، مسأله‌ی شهادت در راه خدا برایش حل شده است. نه این‌که همه‌اش بخواهند مردم بروند و کشته شوند؛ نه، بلکه به این معنا که اگر یک وقت لازم شد و کشور و تاریخ آن کشور و عزت و منافع آن ملت، احتیاج داشت که عده‌ای بروند و جانفشانی کنند، عده‌ای در این ملت حاضر باشند جانفشانی کنند.

این معنای حل شدن معنای «شهادت» است؛ شهادت برایشان حل شده است. ملتی که این‌گونه باشد، ملتی که شهیدپرور باشد، ملتی که توانسته باشد برای جوانان خود، برای مردان و زنان خود، قضیه‌ی کشته شدن در راه خدا را حل کند، آیا تحت تأثیر تهدید قرار می‌گیرد؟! آیا رشوه می‌گیرد؟! آیا تسلیم قدرتمندان می‌شود؟! آیا به استکبار بار می‌دهد؟! ابد! لذا امروز نگاه کنید؛ عزت و عظمت کشور شما به برکت خون همین عزیزان شماست. دولت‌ش،

ملت‌ش، مسؤولینش و آحاد طبقات مختلفش، هیچ کدام حاضر نیستند خدشه‌ای به عزت اسلامی این ملت وارد شود و مثل کوه ایستاده‌اند. حالا استکبار جهانی فشار می‌آورد؛ بیاورد. او خسته خواهد شد؛ کم‌این‌که بیست سال است - از اول انقلاب تا به حال - فشارهای استکبار ادامه دارد: همسایه‌ای را تحریک کنند، جنگی را راه بیندازند، محاصره‌ی



اقتصادی کنند، تبلیغات مخرب کنند و تهمت بزنند، حرفهای گوناگون بگویند و سعی کنند بین ملت اختلاف ایجاد نمایند و باورهای ملت را بگیرند!

استکبار در همهی این هجمه‌ها و یورشهای وحشیانه، شکست خورده است و باز هم شکست خواهد خورد. به خاطر این که این ملت به برکت خون همین شهدای شما، ملتی است دارای شهامت؛ ملتی است شهیدپرور. ببیند تأثیر شهادت برای سیادت و سعادت یک ملت، چقدر والا است؟! اینهاست که ارزش دارد. وجود چنین مردان و زنان و چنین جوانانی است که دنیا و آخرت یک ملت را تأمین می‌کند؛ هم دنیایشان را آباد می‌کند، هم آخرتشان را. به فضل پروردگار، ملت بزرگ ایران به برکت خون شهیدان و به خاطر برکات عظیم شهادت، خواهد توانست همهی مشکلات را از سر راه خود بردارد. همهی این دشمنیها، همهی این کینه‌ورزیها و کمین‌گرفتنهای دشمنان در مقابل عزم و اراده‌ی این ملت، طاقت نخواهد آورد و از بین خواهد رفت و رنگ خواهد باخت. چرا؟ چون ملت بیدار است. شما خانواده‌های شهدا به این نکته توجه کنید.

یک بُعد دیگر در باب شهادت هم این است که همه باید پاسدار خون شهید باشند و از آن حفاظت کنند. حفاظت از خون شهید یعنی چه؟ یعنی ببیند این جوان، این خانواده، این پدر و مادر، این هم‌تتها و روحیه‌های عظیم و شکست‌ناپذیر، دنبال چه هدفی رفتند؟ آن هدف را از جان خودتان بیشتر محافظت کنید. شهدای ما برای خدا مجاهدت کردند؛ در راه خدا به شهادت رسیدند؛ برای حاکمیت دین خدا در کشور - که مایه‌ی سعادت دنیا و آخرت است - سختیها را تحمل کردند. پدران و مادران هم همین‌طور. این که خانواده‌ی شهدا در مقابل شهادت عزیزانشان بهترین و زیباترین صبر را نشان دادند به خاطر خدا بود. این راه شهداست.

امروز در این کشور، راه خدا، راه دین و راه تحقق احکام اسلامی، راه سعادت حقیقی این ملت است. دین، دنیای مردم را هم آباد خواهد کرد، آخرت مردم را هم آباد خواهد کرد. دین، شر دشمنان را هم کم خواهد کرد. آن کسانی که می‌کوشند مردم را از دین جدا کنند، می‌خواهند تیشه به ریشه‌ی سعادت این ملت بزنند. البته نمی‌توانند بزنند. هیچ مرکزی در دنیا وجود ندارد که بتواند با این ملت، با این ایمانها، با این احساسها و با این اخلاصها دست و پنجه نرم کند. شما عزیزان - خانواده‌های عزیز، پدران، مادران، همسران، فرزندان و بقیه‌ی کسان شهدا - این افتخار را برای خودتان حفظ کنید که حافظ خون شهید و دنباله‌رو راه شهید و نگهدارنده‌ی علم شهید باشید که همان علم راه خدا و دین خدا و حفظ ارزشهای الهی و اسلامی است. امیدواریم خداوند متعال الطاف و تفضلات خود را هرچه بیشتر برای ملت و بر شما عزیزان، بخصوص خانواده‌های شهدا بیاراند و این ملت را از شرّ اشرار محفوظ بدارد و بر همهی دشمنان عنود و کینه‌ورز خود پیروز کند، که ان شاء الله خواهد کرد و دعای حضرت ولی‌عصر ارواحنا فداه ان شاء الله شامل حال شما و شهیدانتان باشد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

97) قال رسول الله (ص): فوق کلِّ برٍّ برٌّ حتی یقتل الرجل فی سبیل الله عزوجل فلیس فوقه برٌّ. «بحارالانوار: ج 100، ص

10

98) آل عمران: 144